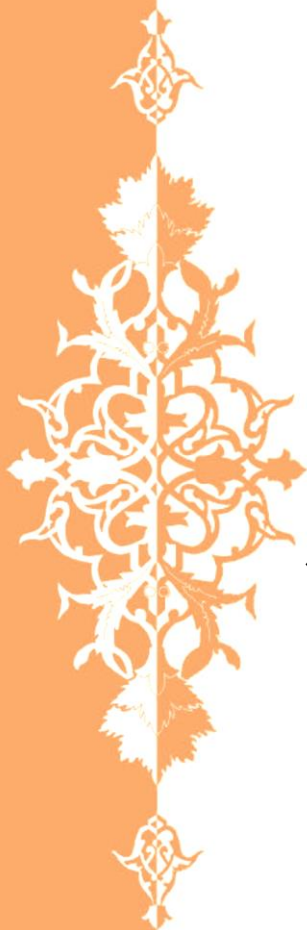




پژوهشکده شورای نگهبان



گزارش کارشناسی

پرونده‌های دیوان عدالت اداری در خصوص:

تقاضای ابطال ماده (۱۴) «آیین‌نامه ماده (۲۹۹) قانون امور حسبی»

کد گزارش: ۹۵۰۵۰۳۷

تاریخ انتشار: ۱۳۹۵/۵/۱۰

پژوهشکده شورای نگهبان

شناسنامه گزارش

گزارش کارشناسی پرونده های دیوان عدالت اداری

موضوع:

تقاضای ابطال ماده (۱۴) «آیین نامه ماده (۲۹۹) قانون امور حسبی»

تهیه و تنظیم:

محمد برومند

نظارت:

مهدی نورایی و هادی زرافشان

پژوهشکده شورای نگهبان

شماره گزارش: ۹۵۰۵۰۳۴

تاریخ تنظیم: ۱۳۹۵/۰۵/۱۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

گزارش کارشناسی پرونده‌های استعلامی دیوان عدالت اداری

موضوع شکایت: تقاضای ابطال ماده (۱۴) «آیین‌نامه ماده (۲۹۹) قانون امور حسبی»

شاکی: آقایان محمد مهدی الشریف و محمد حسین نوری

طرف شکایت: وزارت دادگستری

جهات مغایرت شرعی: مغایرت با آیات شریف قرآن، نظر فقهای امامیه و نظریه

فقهای شورای نگهبان

شماره و تاریخ نامه دیوان: ۹۰۰۰/۲۱۰/۲۵۲۹۸/۲۰۰۰ - ۱۳۹۵/۲/۲۰

مقدمه

شاکیان پرونده، ماده (۱۴) «آیین‌نامه ماده (۲۹۹) قانون امور حسبی» مصوب سال ۱۳۲۲ وزارت دادگستری را مغایر مواد قانونی و موازین شرعی، از جمله آیات قرآن و نظریه مرتبط فقهای شورای نگهبان دانسته و بدین جهت، ابطال این ماده آیین‌نامه مذکور را از هیئت عمومی دیوان عدالت اداری تقاضا کرده‌اند.

شرح و بررسی

در ماده (۱۴) «آیین‌نامه ماده (۲۹۹) قانون امور حسبی» بیان شده است: «پس از ثبت ملک در دفتر املاک به نام ورثه یا موصی‌له، ادعای وصیت یا هر ادعای دیگری که مخالف با ثبت ملک باشد، مسموع نخواهد شد و هیچ وصیت‌نامه، اعم از رسمی و سری و غیر این‌ها، پذیرفته نخواهد شد.» شاکیان پرونده، حکم مذکور در ماده (۱۴) آیین‌نامه را مغایر آیاتی از قرآن، نظر فقهای امامیه، نظریه فقهای شورای نگهبان و برخی مواد قانونی دانسته‌اند که در ادامه، دلایل ایشان مطرح خواهد شد؛

- مغایرت ماده مذکور با آیات (۱۱)^(۱) و (۱۲)^(۲) سوره مبارکه نساء و ماده (۱۸۱)^(۳) سوره مبارکه بقره مبنی بر اهمیت وصیت نزد خداوند متعال.
- مجازنبودن تصرف در ماترک و تقسیم آن بین ورثه، قبل از جداکردن ثلث ماترک و قبول موصی‌له در نظر قاطبه فقها و نیز برطبق حکم ماده (۸۳۳) «قانون مدنی»^(۴).
- خروج موضوعی آیین‌نامه از دامنه صلاحیت اعطایی قانون‌گذار؛ با این توضیح که براساس ماده (۲۹۹) «قانون امور حسبی»^(۵) مصوب ۱۳۱۹/۴/۲، آیین‌نامه وزارت دادگستری تنها صلاحیت دخالت در حوزه تعیین نحوه صدور سند مالکیت برای ورثه یا موصی‌له را داشته است؛

۱ - آیه ۱۱ سوره مبارکه نساء: ﴿يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ خَطَا الْأُنثَيَيْنِ فَإِن كُن نِسَاءً فَوْقَ اثْنَتَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثَا مَا تَرَكَ وَإِن كَانَتْ وَاحِدَةً فَلَهَا النِّصْفُ وَلِأَبَوَيْهِ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ مِمَّا تَرَكَ إِن كَانَ لَهُ وَلَدٌ فَإِن لَمْ يَكُن لَهُ وَلَدٌ وَوَرِثَهُ آبَاؤُهُ فَلِأُمَّهِ الثُّلُثُ فَإِن كَانَ لَهُ إِخْوَةٌ فَلِأُمَّهِ السُّدُسُ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِي بِهَا أَوْ دَيْنٍ ؕ آبَاؤُكُمْ وَ أَبْنَاؤُكُمْ لَا تَدْرُونَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ لَكُمْ نَفْعًا فَرِيضَةٌ مِّنَ اللَّهِ إِنْ اللَّهُ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا﴾

۲ - آیه ۱۲ سوره مبارکه نساء: ﴿وَلَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ إِن لَمْ يَكُن لَّهُنَّ وَلَدٌ فَإِن كَانَ لَهُنَّ وَلَدٌ فَلِكُمُ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكَنَّ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِينَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ وَلَهُنَّ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكَنَّ إِن لَمْ يَكُن لَكُمْ وَلَدٌ فَإِن كَانَ لَكُمْ وَلَدٌ فَلَهُنَّ الثُّمْنُ مِمَّا تَرَكَنَّ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ تُوصُونَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ وَإِن كَانَ رَجُلٌ يُورَثُ كَلَالَةً أَوْ امْرَأَةً وَ لَهَا أَخٌ أَوْ أُخْتُ فَلِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ فَإِن كَانُوا أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ فَهُمْ شُرَكَاءُ فِي الثُّلْثِ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِي بِهَا أَوْ دَيْنٍ غَيْرِ مُضَارٍّ وَصِيَّةً مِّنَ اللَّهِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَلِيمٌ﴾

۳ - آیات (۱۸۰) و (۱۸۱) سوره مبارکه بقره ﴿كُتِبَ عَلَيْكُمُ إِذَا حَضَرَ أَحَدُكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةُ لِلْوَالِدَيْنِ وَ الْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ * فَمَنْ بَدَّلَهُ بَعْدَ مَا سَمِعَهُ فَإِنَّمَا إِثْمُهُ عَلَى الَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُ إِِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾

۴. ماده ۸۳۳- ورثه موصی نمی‌تواند در موصی‌به تصرف کند، مادام که موصی‌له رد یا قبول خود را به آن‌ها اعلام نکرده است. اگر تأخیر این اعلام موجب تضرر ورثه باشد، حاکم موصی‌له را مجبور می‌کند که تصمیم خود را معین نماید.
۵. ماده ۲۹۹- ترتیب صدور سند مالکیت به‌نام ورثه یا موصی‌له نسبت به اموال غیرمنقول که به‌نام مورث ثبت شده است، در آیین‌نامه وزارت دادگستری معین می‌شود.

درحالی که در ماده (۱۴) آیین نامه، عملاً برای پذیرفته نشدن وصیت نامه های دیگر، تعیین زمان شده است.

- مغایرت با نظریه شماره ۲۶۳۹ مورخ ۱۳۶۷/۸/۴ فقهای شورای نگهبان^(۱) مبنی بر ابطال آن قسمت از ماده (۲۹۴) «قانون امور حسبی»^(۲) که اعتبار وصیت نامه ابرازی را به مدت سه ماه از تاریخ صدور گواهی حصر

۱. نامه شماره ۱۲۱۶ مورخ ۱۳۶۵/۲/۱۴ رئیس دادگاه حقوقی یک گلپایگان:

«شورای محترم نگهبان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با عرض سلام، عین ماده (۲۹۴) «قانون امور حسبی» نقل می شود: «ماده ۲۹۴- دادگاه بخش در آگهی که برای اداره یا تصفیة ترکه یا تصدیق حصر وراثت می شود، قید می کند که هرکس وصیت نامه از متوفی نزد او است، در مدت سه ماه به دادگاهی که آگهی نموده، بفرستد و پس از گذشتن این مدت، هر وصیت نامه (جز وصیت نامه رسمی و سری) ابراز شود، از درجه اعتبار ساقط است.» خواهشمند است در پاسخ به این دادگاه اعلام فرمایند چنانچه وصیت نامه عادی از متوفی در دست ورثه یا وارث بوده و ظرف مهلت مقرر در ماده (۲۹۴) یادشده ابراز نگردد، حکم مقرر در ماده مذکور دایر به اسقاط اعتبار وصیت نامه یادشده، مغایرت با شرع دارد یا خیر.

با احترام، رئیس دادگاه حقوقی یک گلپایگان (فائده مقام مدنی خاص) - مبینی»
نظر شماره ۲۶۳۹ مورخ ۱۳۶۷/۸/۴ فقهای شورای نگهبان:

«شورای عالی محترم قضایی

پیرو نامه های متعددی که از بعضی محاکم در رابطه با ماده (۲۹۴) «قانون امور حسبی» به دبیرخانه شورای نگهبان واصل شده بود، در جلسه چهارشنبه ۱۳۶۷/۸/۴ مطرح و با استفاده از اصل ۴ قانون اساسی، نظر فقهای شورای نگهبان به شرح زیر اعلام می گردد:

«محدود نمودن اعتبار وصیت نامه ابرازی به مدت ۳ ماه مذکور در ماده (۲۹۴) «قانون امور حسبی» - خلاف موازین شرع و این قسمت از ماده (۲۹۴) ابطال می شود.»

لکن به طور کلی اعتبار وصیت نامه، مانند سایر اسناد، در صورتی است که حجت شرعی بر صحت مفاد آن باشد. در این قسمت به تحریرالوسیله مراجعه شود.

دبیر شورای نگهبان - محمد محمدی گیلانی»

۲. ماده ۲۹۴- دادگاه بخش در آگهی که برای اداره یا تصفیة ترکه یا تصدیق حصر وراثت می شود، قید می کند که هرکس وصیت نامه از متوفی نزد او است، در مدت سه ماه به دادگاهی که آگهی نموده، بفرستد و پس از گذشتن این مدت، هر وصیت نامه (جز وصیت نامه رسمی و سری) ابراز شود، از درجه اعتبار ساقط است.

وراثت محدود کرده است؛ چراکه ماده (۱۴) آیین‌نامه نیز مشابه همین محدودیت را ایجاد کرده است.

معاون حقوقی وزارت دادگستری در مقام دفاع در مقابل شکایت صورت گرفته، دلایلی را ذکر کرده است که در ذیل به اهم آن‌ها اشاره خواهد شد؛

- ناشناخته‌نبودن مقررۀ موضوع اعتراض در نظام حقوقی ایران و وجود مقررات قانونی مشابه، نظیر ماده (۲۲) «قانون ثبت اسناد و املاک»^(۱) مصوب سال ۱۳۱۰ که در آن اعلام شده است که پس از ثبت ملک در دفتر اسناد، دولت فقط کسی را که ملک به نام او ثبت شده است، به رسمیت می‌شناسد.
- مطابق آیین‌نامه موضوع شکایت، «ثبت ملک در دفتر اسناد رسمی» در دو فرض متصور است؛ یا در اجرای ماده (۱۲) آیین‌نامه،^(۲) نتیجه حکم نهایی دادگاه است که در این صورت، موضوع اعتبار امر مختومه را دارد یا اینکه اختلافی در کار نیست که در این صورت، ضرورتاً با ارائه گواهی حصر وراثت و وصیت‌نامه معتبر و سایر اسناد و مدارک، صورت می‌گیرد که در هر دو صورت، احتمال تضييع حق به شدت کاهش می‌یابد.

۱. ماده ۲۲- همین که ملکی مطابق قانون در دفتر املاک به ثبت رسید، دولت فقط کسی را که ملک به اسم او ثبت شده و یا کسی را که ملک مزبور به او منتقل گردیده و این انتقال نیز در دفتر املاک به ثبت رسیده یا اینکه ملک مزبور از مالک رسمی ارثاً به او رسیده باشد، مالک خواهد شناخت. در مورد ارث هم ملک وقتی در دفتر املاک به اسم وراثت ثبت می‌شود که وراثت و انحصار آن‌ها محرز و در سهم‌الارث بین آن‌ها توافق بوده و یا در صورت اختلاف، حکم نهایی در آن باب صادر شده باشد. تبصره- حکم نهایی عبارت از حکمی است که به واسطه طی مراحل قانونی و یا به واسطه انقضای مدت اعتراض و استیناف و تمیز دعوایی که حکم در آن موضوع صادر شده، از دعوای مختومه محسوب شود.

۲. ماده ۱۲- اگر ترکه متوفی به وسیله دادگاه تسلیم شده و حکم نهایی دادگاه در این خصوص به اداره ثبت داده شود و یا اینکه ورثه موصی‌له و وصی (در صورتی که وصیت شده باشد)، ترکه را تقسیم کرده باشند، ملک مطابق تقسیمی که شده است، ثبت می‌شود و در صورت اخیر، اگر اختلافی مابین ورثه و موصی‌له یا وصی در تقسیم باشد، ثبت ملک موقوف به رفع اختلاف در دادگاه خواهد بود.

- مطابق قواعد عمومی، امکان طرح دعوا در دادگاه صالح جهت بطلان سند ثبت شده وجود دارد و ماده (۱۴) آیین نامه موضوع شکایت، به معنای منع اشخاص ذی نفع از مراجعه به دادگاه و طرح دعوا نیست؛ ولی به منظور حفظ اعتبار اسناد ثبتی، تازمانی که حکم قضایی سند ثبت شده را بی اعتبار نکرده باشد، خلافتش در ادارات دولتی مسموع نیست.

تحلیل و نتیجه گیری

قیاس ماده (۲۹۴) «قانون امور حسبی» با ماده (۱۴) آیین نامه مورد شکایت صحیح به نظر نمی رسد؛ چراکه ماده مذکور در قانون امور حسبی که مورد ایراد شرعی شورای نگهبان قرار گرفته است، اولاً به مرحله دادگاه مربوط است و ثانیاً وصیت نامه های دیگر را به کلی از اعتبار ساقط می کند و صاحبان وصیت نامه های دیگر نمی توانند به دادگاه شکایت کنند. این در حالی است که ماده مذکور در آیین نامه، اولاً به مرحله ثبت مربوط است و ثانیاً وصیت نامه های دیگر را از اعتبار ساقط نمی کند و صرفاً آنها را در اداره ثبت اسناد و املاک غیر قابل پذیرش اعلام می کند و هرگز صاحبان وصیت نامه های دیگر را از مراجعه به دادگاه محروم نمی کند. به طور کلی باید به این نکته توجه شود که آیین نامه مذکور اساساً ترتیبات ثبت و وظایف اداره ثبت در این راستا را مشخص کرده است و دقیقاً در همین راستا از پذیرش وصیت نامه های دیگر بعد از ثبت یک وصیت نامه خودداری کرده است و این مراحل ثبتی به مرحله اعتراض به ثبت انجام شده در دادگاه ارتباطی ندارد. چنانکه ماده (۲۲) «قانون ثبت اسناد و املاک» این موضوع ثبتی درست و منطقی و متناسب با نظم حقوقی را بیان می کند که نه تنها در مانحن فیه، بلکه در سایر موضوعات هم پس از ثبت سند در اداره ثبت، ادعاهای جدید مسموع نخواهد بود و مدعیان برای اعتراض باید به دادگاه مراجعه کنند که در صورت اثبات ادعای ایشان، سند با حکم دادگاه اصلاح می شود.

امام خمینی (ره):

و از شورایی محترم نگهبان می‌خواهم و توصیه می‌کنم، چه در نسل حاضر و چه در نسل مآبی آینده، که با کمال دقت و قدرت و ظایف اسلامی و ملی خود رایانها و تحت تأثیر هیچ قدرتی واقع نشوند و از قوانین مخالف با شرع مطهر و قانون اساسی بدون هیچ ملاحظه جلوگیری نمایند.

(سخن امام، ج ۲۱، ص ۴۲۲)



بزهشکده شورای نگهبان

تهران، خیابان شهید سپهبد قزنی، کوچه خسرو، پلاک ۱۲

صندوق پستی: ۱۴۶۳-۱۳۱۴۵ تلفکس: ۸۸۳۳۵۰۴۵

info@shora-rc.ir

www.shora-rc.ir